یادداشت

ایران؛ کلید ثبات در شرق

ادامه از صفحه اول

این میانجیگری اگر به‌درستی مدیریت شود، می‌تواند به تثبیت جایگاه ایران به عنوان قدرت منطقه‌ای کمک کند.

از منظر اقتصادی نیز میانجیگری ایران می‌تواند منافع درخورتوجهی داشته باشد. افغانستان و پاکستان هر دو نیازمند دسترسی به مسیرهای ترانزیتی و انرژی هستند. ایران می‌تواند با ارائه مسیرهای جایگزین برای تجارت و انرژی، نقشی کلیدی در اتصال این دو کشور ایفا کند. پروژه‌های مشترک در حوزه برق، گاز و حمل‌ونقل می‌توانند نه‌تنها روابط کابل و اسلام‌آباد را بهبود بخشد، بلکه جایگاه ایران را به عنوان محور همکاری‌های منطقه‌ای تقویت کند. در شرایطی که چین با پروژه‌های عظیم خود در قالب ابتکار کمربند و جاده در منطقه حضور دارد، ایران می‌تواند با ایفای نقش میانجی، جایگاه خود را در این معادلات تثبیت و از تبدیل‌شدن به بازیگری حاشیه‌ای جلوگیری کند.

از منظر سیاسی، میانجیگری ایران می‌تواند پیام مهمی به جامعه بین‌المللی ارسال کند. ایران در شرایطی که با فشارهای غرب مواجه است، می‌تواند با ایفای نقش سازنده در بحران‌های منطقه‌ای، تصویر خود را به عنوان قدرتی مسئولیت‌پذیر بازسازی کند. این اقدام می‌تواند زمینه‌ساز افزایش مشروعیت بین‌المللی ایران و کاهش فشارهای سیاسی باشد. همچنین، ایفای نقش میانجی میان پاکستان و افغانستان می‌تواند روابط ایران با قدرت‌های آسیایی مانند چین و روسیه را تقویت کند؛ چراکه این کشورها نیز به ثبات منطقه‌ای علاقه‌مند هستند و از نقش‌آفرینی ایران در این مسیر حمایت خواهند کرد.

البته میانجیگری ایران با چالش‌هایی نیز مواجه است. نخست، بی‌اعتمادی تاریخی میان کابل و اسلام‌آباد. این بی‌اعتمادی ریشه در مسائل مرزی، قومیتی و امنیتی دارد و حل آن نیازمند زمان و تلاش مستمر است. دوم، محدودیت‌های ناشی از تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران. این تحریم‌ها توان اقتصادی ایران را محدود کرده و ممکن است مانع از اجرای پروژه‌های بزرگ سه‌جانبه شود. سوم، پیچیدگی‌های داخلی افغانستان. طالبان هنوز با چالش‌های جدی در مدیریت کشور مواجه است و هرگونه توافق با پاکستان ممکن است با مخالفت گروه‌های داخلی روبه‌رو شود. چهارم، فشارهای خارجی. آمریکا و برخی کشورهای غربی ممکن است با نقش‌آفرینی ایران در افغانستان و پاکستان مخالفت کنند و تلاش کنند این روند را مختل سازند. با این حال، ایران می‌تواند با مدیریت هوشمندانه این چالش‌ها، مسیر میانجیگری را هموار کند.

برای موفقیت در این مسیر، ایران باید چند اقدام کلیدی انجام دهد. نخست، ایجاد کانال‌های دیپلماتیک رسمی میان کابل و اسلام‌آباد با حمایت تهران: این کانال‌ها می‌توانند زمینه‌ساز گفت‌وگوهای مستقیم و کاهش تنش باشند. دوم، استفاده از ابزارهای اقتصادی برای ایجاد منافع مشترک: پروژه‌های مشترک در حوزه انرژی و ترانزیت می‌توانند انگیزه‌های اقتصادی برای همکاری ایجاد کنند. سوم، بهره‌گیری از ظرفیت‌های فرهنگی و تاریخی: ایران با هر دو کشور پیوندهای فرهنگی و مذهبی دارد که می‌تواند به عنوان عامل نرم در میانجیگری مورد استفاده قرار گیرد. چهارم، هماهنگی با قدرت‌های منطقه‌ای مانند چین و روسیه: حمایت این قدرت‌ها می‌تواند نقش ایران را تقویت کند و مانع از فشارهای خارجی شود.

در نهایت، میانجیگری ایران میان پاکستان و افغانستان نه‌تنها امکان‌پذیر، بلکه ضروری است. این نقش می‌تواند امنیت مرزهای ایران را تقویت کند، جایگاه اقتصادی‌اش را ارتقا دهد و تصویر بین‌المللی‌اش را بازسازی کند. البته این مسیر نیازمند مدیریت هوشمندانه، صبر و استفاده از همه ظرفیت‌های دیپلماتیک، اقتصادی و فرهنگی است. اگر ایران بتواند این نقش را به‌درستی ایفا کند، نه‌تنها به ثبات منطقه کمک خواهد کرد، بلکه جایگاه خود را به عنوان قدرتی مسئولیت‌پذیر و تأثیرگذار در نظم جدید آسیایی تثبیت خواهد کرد. میانجیگری میان کابل و اسلام‌آباد فرصتی است که اگر به‌درستی مدیریت شود، می‌تواند ایران را از حاشیه به متن معادلات منطقه‌ای بازگرداند و مسیر جدیدی برای سیاست خارجی‌اش بگشاید. این فرصت، همان‌قدر که چالش‌برانگیز است، می‌تواند نقطه عطفی در تاریخ معاصر ایران باشد؛ نقطه‌ای که نشان دهد تهران نه‌تنها بازیگری واکنشی، بلکه قدرتی فعال و سازنده در شرق است.

تخاصم با آمریکا یا مشکل سوءرفتار؟

ادامه از صفحه اول

صرف‌نظر از مباحث ماهوی درباره مضامینی مانند «رفع‌ناشدنی‌بودن تخاصم با آمریکا»، «نبرد دائمی با نظام سلطه» و «قرارداشتن دیپلماسی مقاومت در کانون توجه دولت»، مشکل اصلی در بُعد عمل‌گرایانه است و آن اینکه طرح چنین مضامینی از سوی یک وزیر خارجه، کار با همتایان خارجی را برای ایشان بسیار دشوار بل غیرممکن می‌کند.

اینها مضامینی است که متولیان خود را دارد و در بستر خود می‌تواند مطرح شود و طی دهه‌های گذشته هم مطرح شده است. ضمن اینکه تلاش‌های جناب دکتر عراقچی قابل تحسین است، اما به عنوان مثال با توجه به حساسیت بسیار زیادی که برخی دولت‌های عربی منطقه درباره برخی از این مضامین دارند، قابل پیش‌بینی بود که سفرهای متعدد به آن کشورها بعد از طرح چنین مضامینی گرفتن نتیجه را بسیار دشوار کند؛ کمااینکه کرد.

در شرایط فقدان چشم‌انداز، به‌ویژه برای نسل جوان و وجود انواع ناترازی‌ها، روشن است که ادامه وضع موجود گزینه نیست. اما روشن نیست که وزارت خارجه چه هدفی را دنبال می‌کند. کشور به یک تنش‌زدایی جدی در سیاست خارجی برای تمرکز بر مشکلات داخلی نیاز مبرم و فوری دارد. در این باره، وزارت خارجه باید نقشی تعیین‌کننده بازی کند و این در صورتی ممکن است که بر وظایف ماهوی خود متمرکز شود و با توجه به تجربه و تخصصی که دارد، نظرات کارشناسی خود را شجاعانه به تصمیم‌گیران نهایی ارائه و از آنها دفاع کند و در راستای بازیابی جایگاه خود در روند تصمیم‌گیری‌های مربوطه بکوشد و از جوسازان داخلی نهراسد.

بازگشت حاکم دوفاکتوی عربستان به آغوش ترامپ

بازنویسی یک اتحاد

مهسا مژدهی: رسانه‌های آمریکایی در زمان اعلام خبر سفر محمد بن‌سلمان به ایالات متحده برای دیدار با دونالد ترامپ، او را حاکم دوفاکتوی عربستان نامیدند. عبارتی که نشان می‌دهد آنها به‌خوبی می‌دانند در ریاض تمام تصمیمات در سایه بلندپروازی‌های محمد بن‌سلمان گرفته می‌شود و سلمان بن‌عزیز ۸۹ساله عملا از دایره تصمیم‌گیری کنار گذاشته شده است. سفر محمد بن‌سلمان، ولیعهد سعودی، به واشنگتن اولین سفر او بعد از ماجرای خونین جمال خاشقچی، منتقد و روزنامه‌نگار سعودی-آمریکایی است که به دستور عربستان در کنسولگری این کشور در استانبول سلاخی شد. در آن زمان حتی دونالد ترامپ هم نتوانست با وجود علاقه قلبی خود به این جوان ماجراجو، آمریکایی‌ها را قانع کند تا روابط خود با ریاض را به شکل پیشین ادامه دهد. اما حالا بیش از هفت سال از آن ماجرا گذشته و عربستان امروز با سال ۲۰۱۸ تفاوت عظیمی کرده است.

ایالات متحده قادر به نادیده‌گرفتن عربستان نیست

در سال ۲۰۱۸، به نظر می‌رسید همه‌چیز ناگهان به هم ریخته و اوضاع بین ریاض و واشنگتن آن‌قدر خراب است که ترمیم آن نیاز به تلاش زیادی دارد. وقتی جو بایدن در ماه‌های ابتدایی سال ۲۰۲۰ برای انتخابات همان سال کاندیدا شد، گفت قصد دارد بن‌سلمان و پادشاهی عربستان را طرد کند. اما این اتفاق نیفتاد و با وقوع جنگ اوکراین او ناچار شد خود رنج سفر را به جان بخرد تا در ریاض از بن‌سلمان بخواهد با افزایش میزان تولید نفت، جای روس‌ها را در بازار پر کنند. این تجربه تلخ به همه نشان داد که هشت دهه شراکت میان عربستان و ایالات متحده، بیدی نیست که با چنین بادهایی به لرزه دربیاید. نویسندگان نزدیک به بن‌سلمان که در ایالات متحده کم هم نیستند، معتقدند او عزمش را برای نوسازی کشور جزم کرده است و چنین فضایی برای ترامپ و بن‌سلمان بهترین فرصت را برای بهبود روابط ایجاد می‌کند. از سوی دیگر آنها در تلاش‌اند به آمریکایی‌ها اثبات کنند ثبات و آرامش در خاورمیانه و امنیت جهانی در مقابل خطر افراط‌گرایی، در گرو آن است که ترامپ در مقابل خواسته‌های بن‌سلمان سر خم کند.

حقوق بشر نگرانی ترامپ نیست

دولت جو بایدن تلاش کرد در عین اینکه سر میز مذاکره درمورد همکاری‌های اقتصادی و سیاسی با عربستان می‌نشیند، در تظاهر از بحران‌های حقوق بشری در عربستان بگوید. منظور از چنین بحران‌هایی نه مسائل مرتبط با رانندگی زنان، حجاب یا برگزاری کنسرت و بازگشایی سینما، بلکه مسائلی چون آزادی بیان، اعدام‌های سیاسی زندان‌های طولانی‌مدت برای فعالان زن و منتقدان و آزادی رسانه‌هاست. ترامپ که محمد بن‌سلمان را مانند یک حاکم واقعی عرب مورد استقبال قرار می‌دهد، پیش از آنکه ولیعهد سعودی به واشنگتن برسد، در حال بررسی یک توافق امنیتی دوجانبه با هدف دفاع از عربستان سعودی در صورت هرگونه حمله بود. این دومین پیمان سبک ناتو با یک متحد خود در خلیج فارس به حساب می‌آید که پس از فرمان اجرائی ترامپ در سپتامبر برای دفاع از قطر اتفاق می‌افتد.

ترامپ به بن‌سلمان علاقه دارد

دونالد ترامپ در سفر سال گذشته خود به ریاض که پس از انتخاب مجددش به عنوان رئیس‌جمهور ایالات متحده انجام شد، به تعریف و تمجید از بن‌سلمان پرداخت و او را مردی دانست که بسیار دوستش دارد. در حقیقت ترامپ مردی است که تمایل دارد با رهبران دیگر کشورها روابط شخصی برقرار کند. بسیاری معتقدند دونالد ترامپ اساسا به رهبران اقتدارگرا علاقه‌مند است. برای او موارد نقض حقوق بشر در هیچ‌یک از کشورها، به‌ویژه متحدانی چون عربستان بی‌اهمیت‌تر از آن است که بخواهد دوستانش را بابت آن تحت فشار قرار دهد. از سوی دیگر منتقدان ترامپ معتقدند رئیس‌جمهور آمریکا بدون اینکه خود را وادار به ظاهرسازی کند، شیفته رهبرانی چون شی جین‌پینگ رئیس‌جمهور چین، ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه و محمد بن‌سلمان ولیعهد عربستان سعودی است.

ترامپ و بن‌سلمان زبان یکدیگر را بلدند

هم دونالد ترامپ و هم محمد بن‌سلمان، اعتقاد دارند که باید کشورشان را با هر شیوه ممکنی بزرگ‌تر از قبل کنند. این ایده در ایالات متحده با جنبش ماگا خود را نشان داده است و بن‌سلمان از بیان چنین تصمیمی ابایی ندارد. این شعار زبان مشترکی است که بین ترامپ و بن‌سلمان وجود دارد و با استفاده از آن توانسته‌اند روابط دو کشور را پیش ببرند. محمد بن‌سلمان بیش از دیگر رهبران کشورهای عربی روی ترامپ تأثیر دارد. به اصرار ولیعهد، ترامپ تحریم‌های ایالات متحده علیه رژیم جدید سوریه به رهبری احمد الشرع، یک جهادی سابق را کنار گذاشت. ترامپ همچنین از فشار بر ریاض برای پیوستن به توافق‌های ابراهیم در دوران جنگ غزه خودداری کرد.

رؤیای یک اتحاد استراتژیک

هرچند آمریکا و عربستان سعودی متحدانی طولانی‌مدت هستند اما اتحاد آنها در شرایطی که بازیگرانی مانند روسیه و چین درصدد هستند تا به متحدان اصلی ریاض تبدیل شوند و ریاض هم برخلاف دهه ۷۰ میلادی ثروتی بی‌حدواندازه ندارد، سست به نظر می‌رسد. در زمانی که آمریکای بایدن تلاش داشت فاصله خود را از عربستان سعودی حفظ کند، پکن تمام تلاش خود را کرد تا به جایگزینی برای واشنگتن تبدیل شود. سعودی‌ها از این وضعیت به عنوان اهرمی جدی برای فشار بر آمریکا استفاده کردند. ترامپ دلایل مشخصی دارد که بخواهد براساس آن روابط خود را با بن‌سلمان تنظیم کند. برای مثال عربستان سعودی منبع عمده سرمایه‌گذاری‌های مالی در اقتصاد ایالات متحده است. این کشور یکی از بزرگ‌ترین خریداران سیستم‌های تسلیحاتی و فناوری آمریکایی به حساب می‌آید و بازیگر کلیدی در تثبیت و کاهش قیمت نفت محسوب می‌شود و از همه مهم‌تر اینکه ریاض یکی از بازیگران حیاتی در رقابت میان چین و ایالات متحده است.

دو کشور بیش از آنچه به نظر می‌رسد به یکدیگر نیاز دارند

عربستان و آمریکا به یکدیگر به صورت متقابل نیاز دارند. سعودی‌ها برای بلندپروازی‌های نظامی و دیجیتال خود به همکاری با ایالات متحده وابسته است. بن‌سلمان امیدوار است که بتواند چنان ترامپ را تحت تأثیر قرار دهد که اف-۳۵ را دودستی از او تحویل بگیرد. در منطقه خاورمیانه این فقط اسرائیل است که چنین جنگنده‌ای را در دست دارد و دریافت آن از سوی ریاض، یک برد اساسی برای سعودی‌ها محسوب می‌شود. بلومبرگ در روزهای پیش از سفر بن‌سلمان به واشنگتن از قول برخی دیپلمات‌ها گفت که ترامپ ممکن است با خواسته بن‌سلمان موافقت کند. برای دونالد ترامپ اما مهم است که عادی‌سازی روابط میان کشورهای عربی با اسرائیل پس از دو سال وقفه با سرعت عملی شود. او روز جمعه گذشته در حالی که راهی سفری به فلوریدا شده بود، گفت امیدوار است که عربستان خیلی زود وارد پیمان ابراهیم شود. واشنگتن به‌خوبی می‌داند که ورود عربستان به پیمان ابراهیم، به معنای هموارشدن مسیر برای دیگر کشورهای حوزه خلیج فارس به ویژه پسرعموهای عرب بن‌سلمان است. با وجود اینکه ترامپ به‌شدت خوش‌بین به‌نظر می‌رسد، ناظران معتقدند این آرزویی نیست که آمریکا و اسرائیل به‌زودی به آن دست پیدا کند.

در واقع آنها معتقدند بن‌سلمان هرچند به رابطه تنگاتنگ با ایالات متحده علاقه فراوانی دارد، اما بعد از جنگی خون‌بار و نسل‌کشی وحشیانه اسرائیل علیه فلسطینی‌ها، او علاقه‌ای به شکستن بایکوت نتانیاهو ندارد. اگر امروز ریاض بخواهد آغوش خود را برای اسرائیلی‌ها باز کند، در میان زنان و مردان عرب تبدیل به مهره‌ای منفور خواهد شد و این چیزی نیست که بن‌سلمان به آن نیازی داشته باشد. ریاض همچنین در چارچوب برنامه بلندپروازانه چشم‌انداز ۲۰۳۰ برای تنوع‌بخشی به اقتصاد خود و تقویت موقعیتش در برابر رقبای منطقه‌ای، به‌دنبال توافق‌هایی در حوزه انرژی هسته‌ای و هوش مصنوعی است تا بتواند با فاصله از کشورهایی چون امارات جلو بیفتد.

عربستان و آمریکا به یکدیگر به صورت متقابل نیاز دارند. سعودی‌ها برای بلندپروازی‌های نظامی و دیجیتال خود به همکاری با ایالات متحده وابسته است. بن‌سلمان امیدوار است که بتواند چنان ترامپ را تحت‌تأثیر قرار دهد که اف-۳۵ را دودستی از او تحویل بگیرد. در منطقه خاورمیانه این فقط اسرائیل است که چنین جنگنده‌ای را در دست دارد و دریافت آن از سوی ریاض، یک برد اساسی برای سعودی‌ها محسوب می‌شود

نخست‌وزیر برکنارشده بنگلادش به اتهام جنایت علیه بشریت به اعدام محکوم شد

حکم جنجالی برای «شیخ حسینه»

شرق: یک دادگاه ویژه در داکا، شیخ حسینه، نخست‌وزیر برکنارشده بنگلادش را به اتهام «جنایت علیه بشریت» در سرکوب خیزش دانشجویی خونین سال گذشته و سرنگونی حاکمیت ۱۵ساله‌اش، به طور غیابی به اعدام محکوم کرد؛ حکمی که صحنه سیاست این کشور را دوباره ملتهب کرده است.

در کنار حسینه، اسدالزمان خان، وزیر کشور سابق هم به دلیل نقشش در به‌کارگیری نیروی مرگ‌بار علیه معترضان حکم اعدام گرفت و رئیس پیشین پلیس که علیه او شهادت داد، فقط به پنج سال زندان محکوم شد. جلسه علنی سه‌نفره دادگاه با ریاست قاضی گلام مرتضا مزمدر به طور زنده پخش شد و شماری از حاضران با شنیدن حکم اعدام برای نخست‌وزیر پیشین، فریاد شادی سر دادند؛ قاضی ناچار شد آنها را به آرامش و خروج از سالن فرا بخواند. دادگاه بین‌المللی جرائم مستقر در داکا، حسینه و خان را به دلیل سرکوب خونین خیزش دانشجویی تابستان گذشته تحت تعقیب قرار داد؛ خیزشی که به سقوط دولت او انجامید. هر دو مقام پیشین سال گذشته به هند گریختند و اکنون در غیاب و بدون حضور در دادگاه محکوم شده‌اند. سومین متهم این پرونده، رئیس پیشین پلیس، پس از آنکه به نفع دادستانی علیه حسینه شهادت داد و به اتهامات خود اعتراف کرد، فقط پنج سال حبس گرفت. به این ترتیب، سنگین‌ترین مجازات‌ها متوجه نخست‌وزیر سابق و وزیر کشور اوست که دولت موقت، آنها را مسئول مستقیم خون‌ریزی در خیابان‌ها می‌داند. مبنای پرونده، اعتراضات دانشجویی گسترده‌ای است که در ماه‌های جولای و آگوست ۲۰۲۴ سراسر بنگلادش را دربر گرفت. این اعتراضات به گفته مشاور بهداشت دولت موقت، دست‌کم ۸۰۰ کشته و حدود ۱۴ هزار زخمی برجا گذاشت و در نهایت به پایان ۱۵ سال حاکمیت حسینه منجر شد. ارزیابی سازمان ملل در گزارشی که ماه فوریه منتشر شد، از ابعادی حتی خونین‌تر حکایت دارد و تعداد قربانیان را تا ۱۴۰۰ نفر برآورد می‌کند. اختلاف میان این آمارها، عمق خشونت و ابهام پیرامون شمار واقعی کشته‌ها را برجسته کرده و بر حساسیت افکار عمومی نسبت به نحوه رسیدگی به پرونده افزوده است. حسینه در واکنش به اتهام‌ها می‌گوید این تصویر، ناعادلانه و تحریف‌شده است. او تأکید می‌کند خودش و اسدالزمان خان «با حسن نیت عمل کردند و تلاش داشتند تلفات انسانی را به حداقل برسانند». به گفته او، دولت در آن تابستان پرتنش «کنترل اوضاع را از دست داد»، اما تعریف وقایع به عنوان «حمله از پیش طراحی‌شده علیه شهروندان» را خوانشی نادرست از واقعیت می‌داند. حسینه در بیانیه‌ای که دوشنبه منتشر کرد، ضمن محکوم‌کردن حکم دادگاه، ادعا کرد که رفتار دولتش در چارچوب کنترل بحران بوده نه برنامه‌ریزی برای سرکوب مرگ‌بار معترضان. حکم اعدام در شرایطی صادر شده که بنگلادش از پنجم آگوست ۲۰۲۴، یعنی روز برکناری حسینه، روی زمین ناهموار گذار سیاسی حرکت می‌کند. سه روز بعد، محمد یونس، برنده جایزه صلح نوبل، ریاست دولت موقت را برعهده گرفت و از همان ابتدا وعده داد که حسینه را به خاطر نقش او در حوادث خونین پاسخ‌گو خواهد کرد. دولت موقت، فعالیت حزب عوامی لیگ به رهبری حسینه را ممنوع کرده و یونس می‌گوید این حزب در انتخابات بعدی که قرار است در ماه فوریه برگزار شود، فرصتی برای ورود به رقابت نخواهد داشت. با وجود این وعده‌ها، سیاست بنگلادش زیر دولت یونس همچنان در وضعیتی پرتنش و با نشانه‌های محدود از ثبات به پیش می‌رود. در عمل، دولت موقت برای روز صدور حکم، تدابیر امنیتی گسترده‌ای اتخاذ کرد. نیروهای گارد مرزی و پلیس در داکا و بسیاری از شهرهای دیگر مستقر شدند و خانواده‌های کشته‌شدگان و مجروحان خیزش سال گذشته ساعت‌ها در بیرون ساختمان دادگاه منتظر ماندند. در هفته منتهی به اعلام حکم، نزدیک به ۵۰ حمله آتش‌افروزی، عمدتا علیه خودروها و ده‌ها انفجار بمب دست‌ساز در نقاط مختلف کشور ثبت شد؛ حوادثی که دست‌کم دو کشته بر جای گذاشت و نشانه‌ای از عمق شکاف در جامعه سیاسی بنگلادش بود. مقام‌های دیوان عالی کشور نیز در نامه‌ای به ستاد ارتش، خواستار استقرار نیروهای نظامی در اطراف مجموعه دادگاه پیش از اعلام حکم شدند.

مسیر حقوقی حسینه محدود است. او فقط در صورتی می‌تواند به حکم دادگاه فرجام‌خواهی کند که ظرف ۳۰ روز خود را به مقام‌های بنگلادشی تسلیم کند یا در خارج از کشور بازداشت و به داکا منتقل شود. این در حالی است که بعید به نظر می‌رسد نخست‌وزیر برکنارشده داوطلبانه به بنگلادش برگردد و هند نیز تاکنون به درخواست‌های داکا برای استرداد او پاسخی نداده است. در این وضعیت، حکم اعدام فعلا بیشتر به ابزاری برای فشار سیاسی و بازتعریف موازنه نیروها در آستانه انتخابات فوریه شبیه است تا مجازاتی که اجرای آن در کوتاه‌مدت محتمل باشد.

گزارش

چرخش ترامپ در پرونده اپستین

رئیس‌جمهور آمریکا موضع پیشین خود را درباره مخالفت با قطع‌نامه‌ای که خواستار انتشار پرونده‌های مربوط به جفری اپستین بود، تغییر داد. ترامپ که پیش‌تر با دادخواست دموکرات‌ها برای به جریان انداختن این قطع‌نامه مخالفت کرده بود، اکنون از حزب خود خواسته است این هفته به این طرح رأی مثبت دهند.

او در پیامی در شبکه تروث‌سوشال نوشت: «جمهوری‌خواهان مجلس باید به انتشار پرونده‌های اپستین رأی بدهند، چون چیزی برای پنهان‌کردن نداریم و وقت آن رسیده است که از این فریب دموکرات‌ها که توسط چپ‌های رادیکال برای انحراف افکار عمومی از موفقیت‌های بزرگ حزب جمهوری‌خواه انجام می‌شود، عبور کنیم؛ از جمله پیروزی اخیرمان بر «تعطیلی» ساختگی دموکرات‌ها».

او افزود: «وقتی جفری اپستین زنده بود هیچ‌کسی اهمیتی به او نمی‌داد و اگر دموکرات‌ها چیز مهمی در اختیار داشتند، آن را پیش از پیروزی قاطع ما در انتخابات منتشر می‌کردند. برخی از «اعضای» حزب جمهوری‌خواه مورد سوءاستفاده قرار گرفته‌اند و نباید اجازه دهیم این اتفاق بیفتد. بیایید درباره دستاوردهای رکوردشکن حزب جمهوری‌خواه صحبت کنیم و در «تله» اپستین نیفتیم؛ تله‌ای که در واقع نفرینی برای دموکرات‌هاست، نه برای ما».

هفته گذشته، مجلس نمایندگان آمریکا پس از هشت هفته وقفه به کپیتال‌هیل بازگشت تا درباره طرحی برای پایان‌دادن به تعطیلی دولت رأی‌گیری کند.

اندکی پیش از این رأی‌گیری، آدلیتا گریهالوا، نماینده دموکرات از آریزونا، سوگند یاد کرد و به عنوان دویست‌وهجدهمین امضاکننده دادخواست «دیسچارج پتیشن» پیوست؛ دادخواستی که وزارت دادگستری را موظف می‌کند پرونده‌های مربوط به پرونده اپستین را منتشر کند.

چهار جمهوری‌خواه نیز تاکنون از این تلاش حمایت کرده‌اند؛ از جمله مارجری تیلور گرین از جورجیا، نَنسی میس از کارولینای جنوبی، توماس مَسی از کنتاکی و لورن بوبِرت از کلرادو.

پس از ادای سوگند گریهالوا، مایک جانسون، رئیس مجلس نمایندگان از لوئیزیانا، اعلام کرد که رأی‌گیری درباره این طرح در همین هفته برگزار خواهد شد.

برخی نمایندگان حامیان اصلی این دادخواست، پیش‌بینی کرده بودند که شمار زیادی از جمهوری‌خواهان در رأی‌گیری از صف حزب جدا خواهند شد. برخی جمهوری‌خواهان پیش‌تر اعلام کرده بودند که هنگام طرح موضوع در صحن، از این رأی حمایت خواهند کرد.

پرونده اپستین از سال‌ها پیش مورد توجه کاربران فضای مجازی قرار داشته است؛ به‌ویژه بعد از مرگ او در سال ۲۰۱۹ که در بازداشتگاه فدرال و در شرایطی رخ داد که قرار بود به اتهام قاچاق جنسی افراد زیر سن قانونی دادگاهی شود.

قبل از آنکه اتهامات سال ۲۰۱۹ مطرح شود، اپستین در سال ۲۰۰۸ در دادگاه ایالتی فلوریدا به اتهام درخواست رابطه جنسی از یک روسپی و ترغیب یک دختر نوجوان به روسپی‌گری محکوم شده بود. او با محکومیت در پرونده سال ۲۰۰۸، ۱۳ ماه به زندان افتاد.

آگهی دعوت به جلسه هیئت مدیره
شرکت شمیم گستر برساد منطقه آزاد ماکو (با مسئولیت محدود)
به شماره ثبت ۶۰۶۴ و شناسه ملی ۱۴۰۱۳۰۶۷۳۸۹
تاریخ انتشار : ۱۴۰۴/۰۸/۲۷
زمان: روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۰۸ ساعت ۱۰:۰۰ صبح
مکان: استان آذربایجان غربی،شهرستان ماکو، بخش مرکزی، دهستان قلعه دره سی، آبادی شهرک صنعتی ماکو، شهرک صنعتی شماره ۱، خیابان ورودی، خیابان ۱۸ متری، پلاک ۰، طبقه همکف، کدپستی ۵۸۶۱۱۳۵۱۳۷ برگزار می گردد .
دستور جلسه هیئت مدیره : ۱ - تغییر مدیرعامل ۲ - تعیین دارندگان حق امضاء مجاز
لازم به یادآوری است که : حضور وکیل سهامدار صرفا" با ارائه اصل وکالت نامه رسمی مورد قبول شرکت می باشد.
رئیس هیات مدیره شرکت

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک تهرانپارس
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۶۰۳۰۱۰۷۹۰۰۳۵۲۱ مورخ ۱۴۰۴.۰۶.۲۴ در خصوص پرونده کلاسه ۱۴۰۳۱۱۴۴۰۱۰۷۹۰۰۰۸۹۹ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک تهرانپارس تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای ناصر حیدربیکی به شناسنامه شماره ۷۲۳۹ کدملی ۰۰۶۹۵۲۸۷۵۶ متولد ۱۳۵۹ صادره تهران فرزند کمال نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۹.۸۶ متر مربع که مقدار ۳.۰۸ متر مربع آن از پلاک ثبتی ۷۰۷۵ فرعی از ۸۸ اصلی و مقدار ۶.۷۸ متر مربع دیگر آن از پلاک ثبتی ۷۱۸۵ فرعی از ۸۸ اصلی واقع در تهران بخش ۱۱ حوزه ثبت ملک تهرانپارس خریداری از مالک رسمی (شرکت توسعه لویزان) محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.م الف۱۵۱۰۴ اداره ثبت اسناد و املاک تهرانپارس (تهران)

مفقودی مدرک تحصیلی (نوبت سوم)
مدرک تحصیلی اینجانب محمدرضا قویدل فرزند اسماعیل با کدملی ۰۸۱۹۶۸۲۰۱۲ در مقطع کارشناسی رشته حسابداری خدمات و تولیدات صنعتی صادره از دانشگاه علمی -کاربردی به شماره ۹۲۱۳۷۱۱۸۱۹۰۰۳۱ و تاریخ ۱۳۹۸/۰۵/۳۰ مفقود گردیده است. از یابنده تقاضا می گردد اصل مدرک را به دانشگاه علمی -کاربردی به آدرس مشهد -بلوار شهدای مدافع سلامت تحویل دهد.

بدین وسیله از اعضاء **انجمن علمی شنوایی شناسی ایران** به شماره ثبت ۱۹۸۰۵ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۱۲۵۴۵۴ دعوت به عمل می آید جهت شرکت در جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده روز پنجشنبه ۱۴۰۴۱۰۹۱۲۷ ساعت ۱۰ صبح در محل قانونی شرکت به آدرس تهران -محله جهاد ، خیابان چهلستون ، خیابان شهید فتحی شقاقی (۸) پلاک -۳۸ ، مجتمع ارشیا ، طبقه سوم ، واحد ۶ به کدپستی ۱۴۳۱۷۸۴۳۸۱ حضور بهم رسانند.
دستور جلسه :۱-انتخاب مدیران ۲-انتخاب بازرسین
تصویب ترازنامه و صورت های مالی
هیئت مدیره انجمن شنوایی شناسی ایران

ارتباط با روزنامه شرق
T.ME/ALOSHARGH
WWW.SHARGHDAILY.IR